

مبارزه با مواد مخدر و روان گردان‌ها در چارچوب پیشگیری چندنهادی

زینب سادات قاضی^۱. دکتر مسعود جوادی هدایت آباد^۲*

۱. کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران

۲. عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران (نویسنده مسئول)

bahar.gh_64@yahoo.com

چکیده

امروزه اکثر کشورها در مبارزه با پدیده مواد مخدر که از جمله جرایم مهم و خطرناک می‌باشد سنگین‌ترین مجازات‌ها را تعیین می‌کنند. کشور ایران نیز به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و قرار گرفتن در همسایگی عمده‌ترین تولیدکننده مواد مخدر جهان، همواره با چالش مواد مخدر روبرو بوده و در این راه تدابیر مختلفی را اتخاذ نموده است. لیکن نحوه مقابله و مبارزه با جرایم مواد مخدر و روان گردان و بالطبع سازمان‌ها و نهادهای دخیل در آن، با توجه به سیاست واکنشی و سرکوبگرانه یا کنشی و پیشگیرانه اتخاذ شده در این زمینه متفاوت می‌باشد. هدف مقاله حاضر بررسی نهادهای دخیل در امر پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان و چگونگی هماهنگی کردن فعالیت آنها با یکدیگر می‌باشد. از این رو باید گفت، قانونگذار ایران از آغاز قانونگذاری در خصوص مواد مخدر و مبارزه با جرایم وابسته به آن، رویکرد واکنشی و سرکوبگرانه را پیش گرفت و در این راستا از نهادهای نظام عدالت کیفری در قالب پیشگیری در مفهوم موسع آن استفاده کرد. تا این که در سال ۱۳۷۶ و با رویکردی چند نهادی و کلان نگر و از رهگذر ماده ۳۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، دست به اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و کنشی زد و در این زمینه از نهادهایی نظیر وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیروی مقاومت بسیج بهره گرفت. در واقع از سال ۱۳۷۶ بود که رویکرد قانونگذار از یک نگرش بخشی و تک عاملی به سمت نگرشی کلان، چند نهادی و مشارکتی سوق پیدا کرد تا از این طریق به هماهنگی کردن فعالیت‌ها و اقدامات سازمان‌ها و نهادهای مربوطه دست یابد. نمود این تغییر نگرش را می‌توان در آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد مصوب ۱۳۷۶/۷/۱۸ مشاهده نمود. اما آنچه در حال حاضر می‌تواند مشکل بزرگی به شمار آید توقف ستاد مبارزه با مواد مخدر به عنوان متولی امر پیشگیری، مقابله و مبارزه با مواد مخدر و روان گردان در روش

آیین نامه نویسی و نیز عدم مدیریت مناسب برای عملیاتی کردن مدل پیشگیری چند نهادی در زمینه مواد مخدر و روان گردان می باشد.

واژه‌های کلیدی: مواد مخدر و روان گردان، رویکرد چند نهادی، پیشگیری چند نهادی، اعتیاد.

مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن از پدیده‌های اجتماعی - انسانی است که جوامع بشری از دیرباز تاکنون با آن دست و پنجه نرم کرده اند. این امر به خصوص در قرن حاضر و به دنبال گذار از زندگی سنتی به زیست صنعتی و گسترش شهرنشینی و چالش‌های آن روبه رشد و نمایان تر است. در چنین وضعیتی صرف بکارگیری اقدامات سرکوبگرانه و واکنش‌های کیفری در جهت مقابله و مبارزه با پدیده ی بزهکاری نه کافی بوده و نه نتایج مطلوب و مورد نظر را به دست خواهد آورد، لذا بهره جستن از اقدامات پیشگیرانه و ابزارهای غیر کیفری و کنشی در جهت کاستن اعمال مجرمانه و کاهش هزینه‌های گزاف نظام عدالت کیفری ضروری می‌باشد. معضل مواد مخدر و روان گردان و جرایم مربوط به آن، از آن دسته از جرایمی است که همواره به انسان آسیب زده و آن را به ورطه هلاکت و نابودی کشانده است (شیری و دیگران، ۱۳۸۹). شاید در بادی امر و آنگاه که شرکت‌های اروپایی و به ویژه انگلیسی در پی کسب منافع و جذب سود سرشار حاصل از مواد مخدر به ایجاد بنگاه‌ها و تجارتخانه‌ها دست زدند، از اثرات مخرب و جبران ناپذیر فعالیت خود که در دراز مدت گریبان گیر خود شده و به صورت یک معضل بین المللی درآمد ناآگاه بودند. ایران نیز به عنوان عضوی از اعضای جامعه بشری با مواد مخدر و روان گردان و جرایم ناشی از آن روبرو بوده و تلاش‌های حقوقی و غیر حقوقی برای مقابله با آن اتخاذ کرده است. به عبارت دیگر وجود مواد مخدر و اعتیادآور در میان گروه‌های بزرگ انسانی در تاریخ ایران معاصر و تجارت و قاچاق مواد افیونی طی یک و نیم قرن اخیر از نقطه ی آغازین آن در سال ۱۲۳۰ شمسی، موجب شد تا سازمان‌ها و نهادهای مختلفی با این معضل درگیر شده و در جهت پیشگیری و مقابله با آن گام بردارند (قورچی بیگی، ۱۳۹۱). اما آنچه در این پیشگیری از اهمیت ویژه ای برخوردار است لزوم توجه به چند وجهی بودن پدیده اعتیاد و جرایم مواد مخدر و روان گردان و تاثیر عوامل گوناگون در شکل گیری آن می باشد که سبب می‌شود تا در پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن، نگاه یک‌سوی و تک عاملی نهی شده و به یک رویکرد مشارکتی و بین نهادی امر شود. امروزه با توسعه‌ی دانش و رویکردهای مدیریتی، رویکرد مشارکتی و چند نهادی در پیشگیری از جرم یکی از اجزای اصلی سیاست گذاری کشورها را شکل داده و موجب شده است تا دولت‌ها در سیاست گذاری‌های کلان خود در پیشگیری از جرم، سهم نادیده گرفته شده‌ی بخش‌های غیر دولتی، نهادهای اجتماعی و مشارکت‌های مردمی را باز شناخته و برنامه‌های پیشگیری از جرم را بر پایه‌ی مشارکت تمامی دست اندرکاران و متولیان امور

فرهنگی، مذهبی، سلامت جامعه و نهادهای غیر دولتی و اتحاد مردم، و هماهنگی و همسویی این تلاش‌ها با بخش‌های دولتی استوار کنند. در ایران نیز چنین رویکردی مدتی است که برای پیشگیری از جرم به طور کلی و جرایم مواد مخدر و روان گردان به طور خاص پذیرفته شده است، تشکیل ستاد مبارزه با مواد مخدر یکی از همین تلاش‌هاست. با تغییر رویکرد در حوزه مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن گستره ی فعالیت‌های پیشگیرانه در این حوزه توسعه یافته و نهادهای دخیل در زمینه پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم حاصل از آن به مراتب نسبت به نهادهای نظام عدالت کیفری افزایش یافتند. نهادهایی نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، سازمان تربیت بدنی، سازمان بهزیستی، سازمان شهرداری، سازمان صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی، پلیس اداری، سازمان‌های مردم نهاد و جامعه‌ی و نهادهای مدنی از جمله‌ی این نهادها به شمار می‌آیند. با توجه به کثرت دستگاه‌ها و نهادهای دخیل در پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن و با عنایت به اینکه بخشی از این نهادها در حوزه پیشگیری اجتماعی، بخشی در حوزه پیشگیری وضعی و بخشی نیز در حوزه‌ی فعالیت‌های پیشگیرانه مردمی و جامعه‌ی نقش و مسئولیت دارند باید گفت که فعالیت‌های این نهادها را می‌توان بر اساس مدل پیشگیری چند نهادی و از طریق شرح وظایف و اختیارات آنان، شفاف سازی محدوده عملکرد آنان، متحد کردن نهادها با یکدیگر و درگیر کردن جامعه در تصمیم سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و در نهایت ترکیب راهبردهای اجتماعی، وضعیت محور و مدنی، هماهنگ و کنترل کرد. نگرش بخشی به حوزه ی وظایف و اختیارات نهادها، شفاف نبودن محدوده ی تکالیف و اختیارات آنان، عدم مرزبندی مداخلات نهادها و نیز توقف ستاد مبارزه با مواد مخدر در روش آیین نامه نویسی و عدم وجود مدیریتی مناسب جهت عملیاتی کردن مدل پیشگیرانه‌ی چند نهادی از مشکلات و موانع پیش روی رویکرد چند نهادی موجود به پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان می‌باشد. از این رو پژوهش پیش رو بر آن است تا با توجه به نقش هر یک از سازمان‌ها و نهادهای مربوط، میزان و نحوه ی مشارکت آن‌ها با یکدیگر، به توصیف و نقد وضع موجود و مشکلات پیش رو پرداخته و پیشنهاداتی را در این زمینه ارائه دهد.

مفهوم لغوی و داروشناختی ماده مخدر و روان گردان

واژه مخدر در لغت اسم فاعل از مصدر تخدیر می‌باشد که ریشه این کلمه خدر می‌باشد که معانی متنوعی دارد: ۱- سستی، گیجی و خماری که ابتدای امر بر شارب خمر عارض می‌گردد. ۲- ضعف بینایی و سنگینی چشم. «داروهایی که استعمال آنها سبب بی‌حسی و بی‌حالی و تخدیر عمومی یا موضعی می‌گردد (مانند کوکائین، هروئین و غیره)، این داروها معمولاً موجب اعتیاد می‌شوند» (معین، ۱۳۹۱). «مواد مخدر به دارویی اطلاق می‌شود که سبب بی‌حسی و رخوت و سستی گردیده و مصرف غالب آنها موجب اعتیاد و دوام استعمال مخدرها موجب بروز نوعی جنون و اختلافات عصبی گردد» (دهخدا،

۱۳۵۲). در متون انگلیسی برای ماده مخدر از لفظ دراگ استفاده می‌شود ولی دراگ لفظ مطلق است و کلیه چیزهایی که به عنوان دارو استفاده می‌شوند را در بر می‌گیرد، اعم از آن که قانونی و مجاز می‌باشد یا غیر قانونی و غیر مجاز. حسب تعریف داروشناسی که از لفظ دراگ به عمل آمده است، این لفظ به هر ماده‌ای غیر از غذا که به دلیل آثار شیمیایی اش ساختار یا کارکرد ارگانیسم موجود زنده ای را تحت تاثیر قرار می‌دهد اطلاق می‌شود. لکن این تعریف خیلی وسیع است، و باید توجه داشت که این تعریف از نظر داروشناسی است و به هیچ وجه تعریف قانونی دراگ نمی‌باشد. از نظر قانونی لفظ ایلیسیت دراگز مورد نظر است که دلالت بر مواد مخدر ممنوعه دارد و نباید لفظ دراگ را در همه جا بر مواد ممنوعه ی مورد نظر قانون گذار اطلاق کرد و نیز نباید این دو لفظ را مترادف هم به شمار آورد (میرزایی آشتیانی، ۱۳۸۸). با توجه به آنچه بیان شد نهایتاً باید گفت مواد مخدر به کلیه مواد طبیعی و شیمیایی گفته می‌شود که اعتیاد آور باشند، به طور کلی مواد مخدر به موادی اطلاق می‌شود که مصرف آن در انسان حالت غیر عادی ایجاد نماید. مواد مخدر به عنوان اصطلاحی که از سال ۱۳۸۸ ه. ش در ادبیات حقوق ایران مورد استفاده قرار گرفته به تمامی موادی گفته می‌شود که بر انسان اثر گذاشته و وابستگی جسمی و روانی به وجود می‌آورد (مرتضوی، ۱۳۹۲). می‌توان گفت که مواد روان گردان که اصطلاحاً از سه واژه ترکیبی، توصیفی و ترجمه فارسی و اصطلاح انگلیسی "که در لغت نامه‌ی بزرگ وبسترز، "دایرةالمعارف‌ها و لغت نامه‌های تخصصی انگلیسی زبان، به «داروهای اثرگذار روی مغز» "معنا شده است (اسعدی، ۱۳۸۹). «مواد روان گردان» در بند ط ماده ۱ قانون الحاق به «کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد برای مقابله با قاچاق مواد مخدر و روان گردان» که از قوانین داخلی کشور ما می‌باشد، به شرح زیر تعریف گردیده است: «ط - داروهای روان گردان به معنای هر گونه ماده طبیعی و یا ترکیبی در جداول ۳، ۲، ۱ و ۴ کنوانسیون داروهای روان گردان مصوب ۱۹۷۱ می‌باشد» در بندهای ۱ و ۲ بند الف ماده ۲ قانون الحاق به کنوانسیون روان گردان اثرات زیر برای مواد روان گردان عنوان شده: «اعتیاد آور، تحریک و یا سست شدن سیستم عصبی مرکزی که منجر به توهم و یا اختلالاتی در کارکرد حرکتی یا افکار یا رفتار با درک یا خلق و خوی می‌گردد» (اسعدی، ۱۳۸۹).

در خصوص تقسیم بندی مواد مخدر، طبقه بندی‌های مختلفی تاکنون صورت گرفته است اما سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۰ میلادی تقسیم بندی ذیل را از مواد مخدر ارائه داده است:

۱- مواد مخدر: که خواب آلودگی، تسکین درد، ایجاد نقص در حرکات ارادی را به دنبال دارد مثل تریاک، هروئین، متادون و کدئین.

۲- مواد روان گردان: که موجب تغییر در احساس و ادراک و تفکر و اراده فرد می‌شود مانند ماری جوانا، ال. اس. دی.

1. Drug.
2. Illicit drugs.
3. Websters

۳- الکل و مشروبات مشابه آن مانند شراب.

۴- دخانیات مثل توتون.

کنگره جهانی روان پزشکی نیز در سال ۱۹۶۱ میلادی چنین طبقه‌بندی از انواع مواد مخدر ارائه کرده است:

۱- مواد تصفیه کننده دستگاه عصبی مرکزی یا مواد روان گردان که فعالیت روانی مغز را کاهش داده و حالت شادی و نشاط توام با سستی ایجاد می کنند مانند تریاک، هروئین، مرفین.

۲- مواد محرک سیستم عصبی یا مواد سیکو آناپتیک که فعالیت‌های ذهنی و روانی را تشدید می کنند مانند کافئین، کوکائین، الکل.

۳- مواد توهم زا که در ذهن ایجاد اغتشاش کرده و حالت های غیر عادی بوجود می آورند مانند ال . اس. دی و ماری جوانا.

اما درباره مواد روان گردان باید گفت در سال ۱۹۸۸ میلادی سازمان ملل متحد کنوانسیون را برای مقابله با قاچاق مواد مخدر و روان گردان تصویب کرد. در بند ط ماده ۱ قانون الحاق به کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد برای مقابله با قاچاق مواد مخدر و روان گردان که از قوانین داخلی کشور ایران نیز به شمار می آید مواد روان گردان این چنین تعریف شده است: «داروهای روان گردان به معنای هر گونه ماده طبیعی و یا ترکیبی مندرج در جدول های ۱، ۲، ۳ و ۴ کنوانسیون داروهای روان گردان مصوب ۱۹۷۱ می باشد». در بندهای ۱ و ۲ بند الف ماده ۲ قانون الحاق به کنوانسیون مواد روان گردان اثرات زیر برای مواد روان گردان ذکر شده است: «اعتیاد آور، تحریک و سست شدن سیستم عصبی مرکزی که منجر به توهم و یا اختلالاتی در کارکرد حرکتی یا افکار یا رفتار یا درک یا خلق و خوی می گردد (اسعدی، ۱۳۸۹).

قاچاق مواد مخدر و روان گردان

مفهوم لغوی قاچاق

قاچاق کلمه ترکی و به معنی برده و ربوده است، آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است. قاچاقچی کسی است که مال التجاره ممنوع الورد یا ممنوع المعامله را بدون کسب اجازه از دولت و یا پرداختن گمرکی وارد کند یا بفروشد یا آن که کالا را از بی راهه بگذراند. در فرهنگ‌های لاتینی به جای این واژه، از واژه اسماکلینگ^۱ یا ترافیکینگ^۲ استفاده می کنند ولی به نظر می رسد بین این دو اصطلاح تفاوت وجود داشته باشد. توضیح آن که اصطلاح اسماکلینگ در نفس خود معنای غیر قانونی بودن را در بردارد و نیازی به افزودن قید دیگری بر آن نیست و استعمال این لفظ

1. Smuggling.
2. Trafficking.

فی نفسه دلالت بر غیر قانونی بودن کار دارد ولی اصطلاح ترافیکینگ به این روشنی نیست و هرگاه این اصطلاح استعمال شود، معمولاً پیشوند یا پسوندی برای آن می آورند تا بر غیر قانونی بودن عمل دلالت کند. به هر حال در اواخر دهه ۱۹۸۰ اصطلاح دراگ ترافیکینگ^۱ به عنوان یک اصطلاح کلی رایج شد (رحمدل، ۱۳۸۵).

مفهوم حقوقی قاچاق

با دقت در قوانین متفرقه از جمله قانون مجازات مرتکبین قاچاق و قانون امور گمرکی، قانون انحصار تجارت خارجی، می توان گفت قانونگذار ایران تعاریف مشابهی از قاچاق ارائه داده است. اما آنچه اهمیت دارد آن است که در قوانین وضع شده در خصوص مواد مخدر و روان گردان تعریفی از قاچاق بیان نشده است. قانونگذار در ماده ۱۱ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام اصطلاح قاچاق مسلحانه مواد مخدر را به کار برده و مقرر داشته است: مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است. همچنین در مواد ۲۸ و ۳۳ قانون مزبور نیز از لفظ قاچاق استفاده کرده است. در خصوص ماده ۲۸ قانون مذکور باید گفت از آن جا که هدف قانونگذار در ماده ۲۸ ضبط هر گونه مال حاصله از جرایم مواد مخدر از انواع مختلف آن می باشد لذا طیف وسیعی از اقدامات مرتبط با مواد مخدر را قاچاق تلقی کرده است تا امکان مصادره اموال نامشروع حاصله از جرم وجود داشته باشد، به همین جهت مفهوم موسع لفظ قاچاق را در نظر گرفته است، از این رو تبیین مفهوم قاچاق با استفاده از لفظ قاچاق مذکور در این ماده صحیح نمی باشد. در ماده ۳۳ نیز قانونگذار از لفظ قاچاق با بیانی مطلق استفاده کرده و مقرر داشته است: به منظور مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل، اعم از تولید، توزیع، خرید، فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی و قضایی و برنامه های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این ستاد متمرکز خواهد شد. در این ماده نیز با توجه به این که لفظ قاچاق به طور مطلق آورده شده ممکن است به نظر برسد که کلیه جرایم مرتبط با مواد مخدر، به جهت به کار بردن عبارت (و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است) در کنار موارد احصا شده (تولید، توزیع، خرید، فروش و استعمال) داخل در مفهوم قاچاق قرار گیرد. ولی باید گفت چون هدف از ماده ۳۳، تبیین وظایف ستاد مبارزه با مواد مخدر در برخورد با جرایم مواد مخدر و انواع مختلف آن می باشد، لذا مفهوم قاچاق در ماده ۳۳ قابل تسری به سایر مواد قانون مبارزه با مواد مخدر نمی باشد.

1. drug trafficking.

مبارزه با مواد مخدر از منظر قرآن

خمر به هر ماده مست‌کننده‌ای اطلاق می‌شود: زیرا خمر در لغت به معنای ستر و پوشاندن است همه مست‌کننده‌ها باعث ستر و زوال عقل و مانع تشخیص خوب و بد توسط انسان می‌شوند و قدرت تفکر و ادراک را از او می‌گیرند اِثمّ هم معنای نزدیک به ذنب و گناه دارد یعنی حالتی که باعث محرومیت انسان از نیل به خیرات می‌شود و شقاوت و حرمان برای انسان به بار می‌آورد و این حالت وقتی که در عقل و روح انسان به وجود می‌آید او را از رسیدن به مقصود اصلی و هدف اصلی آفرینش یعنی کمالات انسانی باز می‌دارد و ضرر زیادی به جسم و جان وارد می‌کند. به نظر می‌رسد که بر اساس آیه شریفه، مشروبات الکلی و مواد مخدر به دلیل ضرر و زیان‌های زیاد باعث زوال عقل انسان و ادراک و فهم شده و شهوات کاذب و زودگذر را بر اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان حاکم می‌کنند بدین جهت حرام هستند.

و در آیه قتل بیان می‌کند:

ای اهل ایمان مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر آنکه تجارتی از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید) و یکدیگر را نکشید که البته خدا بسیار به شما مهربان است. بنابراین آیه هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد و خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آن نباشد خرید و فروش وسایل فساد و گناه همه در تحت این قانون کلی قرار دارند و اگر در روایات متعددی کلمه باطل به قمار، ربا و مانند آن تفسیر شده در حقیقت معرفی مصداق‌های روشن این کلمه است نه آن که منحصر به آن‌ها باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵). صاحب جواهر (محمدحسن نجفی) در استناد به آیه فرموده است (وَمِنْ ذَٰلِكَ وَجُوبُ الْحِفْظِ وَتَفْيِ الْعُسْرِ وَالْحَرَجِ وَارَادَةُ الْيَسْرِ وَالنَّهْيِ عَنِ قَتْلِ النَّفْسِ) برداشتی که از آیه می‌شود این است که حفظ نفس و برطرف کردن فشار و سختی و فراهم کردن راحتی و دوری از قتل نفس واجب است. در فتوای (شیخ علیش) از علمای مذهب مالکیه نیز آمده است که: «وَتَكَرُّرُ الْمُخْذِرَاتِ لِيَسْوَدَ مَا يَتَعَلَّقُ بِهِ وَتَوَلَّدَ مِنْهُ الْحَرَارَةُ فَتَكُونُ دَاءً مَزْمَنًا مَهْلِكًا فَيَشْمَلُهُ قَوْلُهُ سُبْحَانَهُ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ».

نتیجه‌ای که از استعمال مکرر مواد مخدر حاصل می‌شود این است که از آن حرارتی در نفس ایجاد می‌شود که مبدل به بیماری سخت و نابودکننده‌ای می‌شود پس مشمول قول خداوند سبحان می‌گردد که فرموده است یکدیگر را نکشید. مضمون این آیه (۱ و ۲) نگهداری و سلامت نفس را واجب کرده و همچنین واجب کرده است که نباید نفس را در مهلکه یا ارتکاب خطرهایی قرار داد که منجر به قتل نفس شوند مگر اینکه مصلحت مهم‌تری وجود داشته باشد مانند جهاد در راه خدا و چون مواد مخدر باعث ضرر و به خطر افتادن سلامت و تندرستی می‌شود و این موضوع از نظر پزشکی به اثبات رسیده است لذا استفاده از آن نیز حرام می‌باشد آیه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوءًا بِعَنْدِهِمْ فِي الْتَوْرَةِ وَالْانجِيلِ يَأْمُرُهُمُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ

اصبرهم والاعلال التي كانت عليهم فالذين آمنوا به وعزروه ونصروه واتبعوا النور الذي أنزل معه أولئك هم المفلحون».

آنان که پیروی کنند از رسول ختمی مرتبت و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشانی و اوصافش را) نگاشته می‌یابند (که آن رسول) آنها را امر به نیکویی و نهی از زشتی خواهد کرد ویر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند و احکام پررنج و مشقتی را که (از جهل و هوا) چون زنجیر بگردان خود نهاده‌اند همه را می‌دارد پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالم‌اند. فقها و دانشمندان از آیه فوق چنین استنباط می‌کنند که محتوای دعوت او با فطرت سلیم هم آهنگ است طبیات و آنچه را طبع سلیم می‌پسندد برای آنها حلال می‌شمرد و آنچه خبیث و تفرآمیز باشد را بر آنها تحریم می‌کند (و یُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ) او بسان مدعیان در چنین نبوت و رسالت که هدفشان به زنجیر کشیدن توده های مردم و استعمار و استثمار آنها است نیست نه تنها بندی بر آنها نمی‌گذارد که بارها را از دوش آنها بر می‌دارد و غل و زنجیرهایی را که بردست و پا و گردنشان سنگینی می‌کرد را می‌افکند حال سؤال اینجاست آیا هر فرد عاقلی می‌تواند بگوید که مواد مخدر جزء طبیات و مباحات هستند یقیناً مواد مخدر جزء خبیثات است و حرام است؛ زیرا ضررهای ناشی از آن بر همگان آشکار است و انسان‌ها را در غل و زنجیر حقارتها نگه می‌دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵).

آیه «يا ايها الذين آمنوا انما الخمر والميسر والانصاب والالزام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون» انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم والعداوة والبغضاء في الخمر والميسر ويصدكم عن ذكره... وعن الصلاة فهل انتم منتهون».

ای اهل ایمان شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گرو بندی (که اسمی بود در جاهلیت) همه این‌ها پلید و از عمل شیطان است از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید-شیطان قصد آن دارد وسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز بازدارد پس شما آیا از آن دست برمی‌دارید (تا به فتنه شیطان مبتلا نشوید). آشنایی مسلمانان به احکام اسلام و آمادگی فکری آنها برای ریشه کن ساختن این مفسده بزرگ اجتماعی که در اعماق وجود آنها نفوذ کرده بود سبب شد که دستور نهایی با صراحت کامل و بیان قاطع که حتی بهانه جویان نیز نتوانند به آن ایراد گیرند نازل گردید که همین آیه مورد بحث بوده باشد.

آیه «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ... يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

از مال خود در راه خدا انفاق کنید (لیکن نه به حد اسراف) و خود را به مهلکه (خطر بیچارگی) نیفکنید و نیکوئی کنید زیرا خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. ابتدای آیه فوق اشاره به انفاق دارد لیکن در ادامه با بیان جمله و لا تلقوا باید یکم هشدار مهمی را به انسان‌ها گوشزد می‌کند لذا اعتیاد به مواد مخدر یکی از بزرگ‌ترین مصادیق هلاکت و نابودی است. جمله و لا تلقوا باید یکم اَلِی التَّهْلُكَةِ «با دست خویش خود را

به هلاکت نیفکنید» هر چند در مورد ترک انفاق برای جهاد اسلامی وارد شده ولی مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که موارد زیاد دیگری را نیز شامل می‌شود از جمله این که: انسان حق ندارد از جاده‌های خطرناک (چه از نظر ناامنی چه عوامل جوی یا غیر آن) بدون پیش بینی‌های لازم بگذرد یا غذائی که به احتمال قوی آلوده به سم است تناول کند. و یا حتی در میدان جهاد بدون نقشه و برنامه وارد عمل شود و در تمام این موارد انسان بی‌جهت جان خود را به خطر انداخته و مسئول است پس در جامعه امروزی که اثرات و زیان‌های مواد مخدر به طور علمی مشخص شده است و مصرف آن در حقیقت خوردن سم خطرناکی است که به تدریج وارد بدن شده و در نهایت به هلاکت و نابودی او و یا ضرر و زیان شدید منجر می‌شوند و به خطر انداختن بی‌جهت جان انسان است به طور کل حرام است و باید از آن اجتناب کرد و به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی رحمت‌ا... آیه شریفه اطلاق دارد و مقصود نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود (علامه طباطبایی، ۱۳۹۶).

پیشینه تحقیق

در زمینه ی مواد مخدر، طرح‌ها و پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است که در ذیل به برخی از آنان اشاره می‌شود:

ابراهیمی در سال ۱۳۸۸ با نگارش کتابی با عنوان: مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم بصورت کلی به مقوله پیشگیری از جرایم پرداخته و به صورت تطبیقی به راهکارها و رویه اتخاذی سایر کشورها را مورد بررسی قرار داده است. همچنین اسعدی در سال ۱۳۸۹ با تحقیقی با عنوان پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر و روانگردان انجام داده که هدف پژوهش حاضر پیشگیری از مصرف و سوء مصرف مواد مخدر بوده است و جامعه مورد نظر دانشجویان دانشگاه همدان بر اساس پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۹۶ سوال استفاده شده است. در این پرسش‌نامه از شیوه‌های مقابله با استرس و احتمال مصرف مواد مخدر و هم چنین خطر سوء مصرف مواد مخدر و سلامت روان استفاده شده است که نتایج تحقیق نشان داد که: دانشجویان دختر با وجود اینکه از سلامت روان کمتری برخوردار بودند کمتر در معرض مصرف مواد مخدر قرار داشتند. ساکی در سال ۱۳۸۰، جرایم مواد مخدر را به صورت کلی از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی مورد مطالعه قرار داده و به صورت کلی مقوله پیشگیری را مد نظر قرار داده است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: بررسی نهادهای مسئول و نقش آفرین در زمینه پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم حاصل از آن می‌باشد و همچنین هدف فرعی: تتبع در خصوص پیشگیری چند نهادی در راستای هماهنگ کردن فعالیت‌ها و همسویی نهادهای مسئول و نقش آفرین در زمینه پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان است.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: نگرش بخشی به حوزه ی وظایف و اختیارات نهادها، شفاف نبودن محدوده ی تکالیف و اختیارات آنان، عدم مرزبندی مداخلات نهاد ها و نیز توقف ستاد مبارزه با مواد مخدر در روش آیین نامه نویسی و عدم وجود مدیریتی مناسب جهت عملیاتی کردن مدل پیشگیرانه ی چند نهادی از مشکلات و موانع پیش روی رویکرد چند نهادی موجود به پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان می باشد. همچنین این تحقیق دارای دو فرضیه فرعی به شرح ذیل می باشد:

۱- در سیاست گذاری پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان، فعالیت نهاد های دولتی نظیر نیروی انتظامی، صدا و سیما، آموزش و پرورش و نهاد های غیر دولتی، مردمی و اجتماعی در قالب بیان آنها در چارچوب قوانین و مقررات هماهنگ و شفاف سازی محدوده ی عملکرد و شرح وظایف و اختیارات همسو می شود و در مرحله اجرا، نهادهای فرابخشی با محوریت ستاد مبارزه با مواد مخدر فعالیت های بخشی را کنترل و هماهنگ می کنند. ساختاری که خود به دلیل ضعف مدیریتی در طراحی سازمان ها، همواره نمی تواند موفق عمل کند.

۲- آنچه در این پیشگیری از اهمیت ویژه ای برخوردار است لزوم توجه به چند وجهی بودن پدیده اعتیاد و جرایم مواد مخدر و روان گردان و تاثیر عوامل گوناگون در شکل گیری آن م باشد که سبب می شود تا در پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن، نگاه یک سونگر و تک عاملی نهی شده و به یک رویکرد مشارکتی و بین نهادی امر شود.

روش تحقیق و فنون اجرایی

روش کار تحلیلی توصیفی و روش گرد آوری منابع بصورت کتابخانه ای و مراحل مطالعه اولیه فیش برداری و مرور و بازنویسی فیش ها و نتیجه گیری می باشد. در استفاده از کتب و مقالات علی الخصوص مقالات خارجی سعی گردید که مطالب مرتبط با این مقاله برداشت شوند. در کتب فلسفی نکته نظرات حقوقی که بیان شده است مورد استفاده قرار گرفته است. برای پاسخ به سؤالات تحقیق و در نهایت رسیدن به فرضیه های موجود مطالب و رئوس مرتبط با هم دسته بندی شده و نظریات مکاتب مختلف حقوقی به چالش کشیده شده است. با توجه به گسترده بودن مفاهیم که ناشی از اجتماعی بودن موضوع دارد، اهتمام لازم معمول شده است. موضوعات هم سنخ با مفاهیم حقوقی توضیح داده و تبیین حقوقی گردد. آرمان تساوی همگان در برابر قانون و لزوم برخورداری آحاد جامعه از مواهب اجتماعی و یافتن راه حل لازم، روحیه تلاش و انگیزه مضاعفی جهت مطالعات بیشتر برای یافتن جواب علمی و حقوقی فراهم گردید. از آنجا که کلیه دانش های بشری را می توان در کتاب و کتابخانه جستجو کرد، به جهت جمع آوری اطلاعات، قبل از استفاده از هر ابزار دیگری از کتاب استفاده گردید همچنین، برای این که مطالب جمع آوری شده از طریق روش کتابخانه ای با مطالب روز تطبیق داده شود، از اینترنت استفاده گردید. با

مراجعه مستقیم به منابع موجود در کتابخانه و مطالعه کتب مختلف و مقالات، مطالب مورد نظر با فیش برداری جمع‌آوری گردید.

پیشگیری چندنهادی در قوانین عادی

قوانین عادی که مرتبه‌ای پایین‌تر از قوانین موضوعه و بالاتر از قوانین فرودستی می‌باشند به تدابیر و راهبردهای قانونی گفته می‌شود که قانونگذار در خصوص مسائل مختلفی همچون مواد مخدر و روان گردان و در راستای نظام مندی هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی و باید و نبایدها وضع می‌نماید. از این رو در این گفتار با رویکردی چند نهادی به مسئله پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان در قوانین مربوط به آن می‌پردازیم.

بند اول- قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ همراه با اصلاحات ۱۳۸۹

ویژگی این قانون آن است که مجمع تشخیص مصلحت نظام در مقام یک مرجع قانونگذار اقدام به تصویب این قانون کرده است. در این قانون جرایم مواد مخدر دسته‌بندی شده و برای قواعد تعدد و تکرار آن مقررات خاصی وضع گردیده و در خصوص جرایم مرتبط با مواد مخدر نیز سخت‌گیری‌های بیشتری نسبت به قوانین سابق شده است. اما آنچه در این قانون بیش از سایر موارد اهمیت دارد، ماده ۳۳ قانون مذکور و تمهیدی است که قانونگذار برای تشکیل ستاد مبارزه با مواد مخدر اعمال کرده است. قانونگذار در این ماده کوشیده است تا با تشکیل ستادی خاص به طور ویژه به مقابله با مواد مخدر بپردازد اما همان گونه که از صدر ماده‌ی مذکور بر می‌آید هدف قانونگذار از تصویب این ماده تنها مبارزه با قاچاق مواد مخدر بوده و مجمع تشخیص مصلحت نظام در تصویب این ماده و گنجاندن آن در قانون مبارزه با مواد مخدر همان رویکرد واکنشی (کیفری) پیشین را اتخاذ کرده است.

در واقع، عمده اقدامات ستاد، در راستای بازپروری، درمان، نگهداری معتادان، کنترل قاچاق و استفاده غیر مجاز از مواد مخدر و گسترش روابط بین‌المللی بود و قانونگذار در صدد آن بود تا با تصویب ماده ۳۳ و عضویت نهادهای مختلف دولتی از توان حداکثری آن‌ها در این راستا استفاده کند. لکن دست نیافتن به نتایج مطلوب مورد نظر، عدم توجه به پیشگیری کنشی و غیر کیفری و نیز نادیده گرفتن نقش سایر نهادهای دولتی و همچنین مشارکت مردمی در این زمینه، سبب شد تا مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام به اصلاح قانون مذکور نماید. قانونگذار ایران بعد از تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر و تاسیس ستادی در جهت مبارزه با آن مواد، از رهگذر همین ستاد خاص به استفاده از تدابیر کنشی (غیر کیفری) در کنار تدابیر واکنشی (کیفری) به منظور کاهش میزان جرایم مواد مخدر پرداخت. در واقع قانونگذار ایران با تدوین قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر برای نخستین بار با رویکرد کنشی (غیر کیفری) به پیشگیری از جرایم مواد مخدر پرداخت، از این رو ماده ۳۳ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «به

منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل، اعم از تولید، توزیع، خرید، فروش و استعمال آن ها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی و قضایی و برنامه های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این ستاد متمرکز خواهد بود. همچنین به موجب تبصره ۲ ماده مذکور دولت موظف است هر سال بودجه ای را برای پیشگیری از ارتکاب جرایم مواد مخدر اختصاص می دهد.

با دقت در ماده ۳۳ و اعضای تشکیل دهنده ستاد در می یابیم که قانونگذار در این ماده، وزارت آموزش و پرورش، نیروی مقاومت بسیج و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را به عنوان اعضای جدید ستاد مبارزه با مواد مخدر معرفی می کند و می کوشد تا با یک نگرش کلان از توان و قوای این سه نهاد دولتی نیز در کنار سایر نهاد های عضو در جهت پیشبرد اهداف خود بهره مند گردد. اما آنچه همچنان از دید قانونگذار مغفول مانده، نقش بسزا و موثر نهاد های غیر دولتی و جامعه و مشارکت آحاد مردم در زمینه پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با مواد مخدر است. در واقع هر چند قانونگذار از رهگذر دخیل کردن نهاد های مختلف دولتی به چند وجهی بودن جرایم مواد مخدر و روان گردان و گستردگی محدوده ی آن توجه نموده لکن، در زمینه ی پیشگیری از این جرایم و مقابله ی با آن، یکی از ابزارهای مهم و اساسی یعنی مشارکت مردمی و نهاد های غیر رسمی را نادیده گرفته است.

از سوی دیگر باید به این نکته نیز اشاره شود که پیشگیری از بزهکاری توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر تنها به مقوله پیشگیری از اعتیاد ختم نشده بلکه پیشگیری از دیگر گونه های جرایم مرتبط با مواد مخدر از قبیل قاچاق، خرید و فروش را نیز در بر می گیرد. بنابراین پیشگیری از بزهکاری از رهگذر ستاد مبارزه با مواد مخدر در برگیرنده ی همه ی گونه های جرایم مرتبط با مواد مخدر است و این ستاد موظف است تدابیر، راهبردها و برنامه های پیشگیرانه اش را در زمینه همه ی گونه های جرایم مرتبط با مواد مخدر اتخاذ و اجرا نماید. بدین ترتیب، ستاد مبارزه با مواد مخدر مطابق ماده ۳۳ قانون مزبور با رویکردی فرهنگی- امنیتی - قضایی در پرتو ساختار اجرایی - امنیتی - قضایی با بکارگیری روش های مناسب پیشگیرانه به منظور کاهش میزان اعتیاد، تولید پخش، خرید، فروش و انتقال مواد مخدر مبادرت می ورزد (ابراهیمی، ۱۳۹۲).

بند دوم- قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۴/۲۷

پلیس نهادی است که با بهره گیری از ابزارهای کنشی و واکنشی در صدد برقراری نظم و امنیت در جامعه می باشد. این نهاد بر اساس یافته های جرم شناسی از یک سو به عنوان نهادی واکنشی در گستره نظام کیفری و از سوی دیگر به عنوان نهادی کنشی در گستره سیاست جنایی می تواند نقش به سزایی در زمینه کاهش میزان بزه کاری ایفا نماید. قانون گذار ایرانی هنگام تصویب قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۹ پیشگیری از بزه کاری را بر اساس بندهای الف، ب، ج، و د بند ۸ ماده ۴۱ ناجا

پیشگیری از جرم به عنوان ضابط است. این نیرو از آن پس با تاسیس معاونت اجتماعی تلاش کرده است طرح‌های متعددی از جمله طرح پلیس نو جوان و طرح پلیس محلی را به منظور پیشگیری از بزه کاری اجرا نماید با وجود این واگذاری پیشگیری از بزه کاری به این نیرو به عنوان ضابط قوه قضائیه، نبود نیروی کارشناس پیشگیری از بزه کاری، نبود میان کش نیروی انتظامی با نهادهای جامعوی و ایجاد دیگر نهادهای موازی با نیروی نظامی مانند ستاد حفاظت اجتماعی، از یک سو سبب تقویت واکنشی پلیس به پیشگیری از بزه کاری در این نیرو و از سوی دیگر باعث ایجاد اختلال در روند فعالیتهای نیروی انتظامی شده است (نیازپور، ۱۳۹۵).

پیشگیری چند نهادی در آیین نامه‌ها

قوانین فرودستی یا همان فروتقینی شامل آیین نامه‌ها و بخش نامه‌ها می‌شوند و در واقع بیانگر نحوه عملیاتی کردن قوانین می‌باشند و از اهمیت خاصی برخوردارند. از این رو، با رویکردی چند نهادی، به بررسی پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان در آیین نامه‌ها و بخش نامه‌های مربوطه می‌پردازیم.

بند اول- آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن

پس از تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۶ شمسی و اختصاص یافتن شماری از مواد آن قانون به پیشگیری از جرائم مرتبط با مواد مخدر، ستاد مبارزه با مواد مخدر در همین راستا آیین نامه ای را در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۱۷ تدوین نمود. ستاد در این آیین نامه از رهگذر بند ب ماده ۱ و ماده ۲۹ به پیشگیری از جرائم مرتبط با مواد مخدر توجه کرده است. در بند ب ماده ۱ آیین نامه مذکور مقرر شده است که ستاد مبارزه با مواد مخدر به عملیات اجرایی و قضایی و برنامه های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر مبادرت ورزد. همچنین در ماده ۲۹ این آیین نامه آمده است: «در اجرای ماده ۳۳ قانون (اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن) کمیته های تخصصی تحت عناوین آموزش و پرورش، پیشگیری و درمان و بازپروری، تبلیغات و مقابله با عرضه و... ایجاد شود». در واقع تدوین کنندگان آیین نامه مذکور با بیان عبارت «آموزش عمومی، پیشگیری و درمان و بازپروری، تبلیغات و مقابله با عرضه» همه گونه‌های پیشگیری از بزهکاری ناظر بر جرایم مرتبط با مواد مخدر را مورد اشاره قرار داده اند (نادری، ۱۳۸۰). اما اگر بخواهیم با نگرشی چند نهادی و مشارکتی به این آیین نامه و مواد مرتبط با مسئله پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان بنگریم، آنچه سبب وارد آمدن ایراد به بند ب ماده ۱ و ماده ۲۹ می‌شود عدم توجه به مشارکت نهادهای مردمی و دخیل کردن آن‌ها در امر پیشگیری از جرم است و

در واقع این همان ایرادی است که به ماده ۳۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن وارد است.

بند دوم- آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر

آیین نامه مذکور در ۱۴ ماده و ۴ تبصره در مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۲۰ و در اجرای مواد ۳۳ و ۳۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن به تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر رسید. تدوین کنندگان این آیین نامه با رویکردی پیشگیرانه به کاهش میزان اعتیاد به مواد مخدر توجه نموده و ستاد مبارزه با مواد مخدر به موجب این آیین نامه وظیفه دارد در راستای پیشگیری از این گونه از بزهکاری اقدام نماید و برای تحقق این امر نیز موظف شده است تا از همکاری و مشارکت نهادهای گوناگون دولتی، جامعه‌ی و بین المللی بهره گیرد (علی پور، ۱۳۹۴). در واقع، ستاد مبارزه با مواد مخدر در این آیین نامه کوشیده شده است تا با رویکردی بین نهادی و مشارکتی و با همکاری کلیه نهادهای دولتی و غیر دولتی ذیربط و هماهنگ ساختن آن‌ها به پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن مبادرت ورزد. از آنجا که این آیین نامه از منظر پیشگیری از اعتیاد و جرایم ناشی از مواد مخدر و روان گردان دارای ابعاد مختلفی است که نیازمند بررسی، فحص و موشکافی بیشتری می‌باشد در فصل بعدی و در ذیل عملکرد ستاد مبارزه با مواد مخدر در زمینه سیاستگذاری به صورت ویژه و خاص به آن پرداخته خواهد شد.

بند سوم- آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

این آیین نامه مشتمل بر ۲۴۷ ماده و ۱۰۸ تبصره در اجرای قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴، در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۰ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. بر اساس ماده ۱ این آیین نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور سازمانی است مستقل که مستقیماً زیر نظر رئیس قوه قضائیه انجام وظیفه می‌کند. مطابق ماده ۳ آیین نامه مذکور «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات قضایی مذکور نیز صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می‌شوند». با دقت در ماده ۳ آیین نامه، هدف از تأسیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که اصلاح و درمان بزهکاران و در نتیجه پیشگیری از تکرار جرم می‌باشد روشن می‌گردد. از این رو بند ۲۰ آیین نامه مزبور «تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز جهت شناخت روش‌های پیشگیری از وقوع جرایم و بررسی علل و انگیزه‌های ارتکاب آن و ارائه به رؤسای قوای سه گانه» را از وظایف سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی قرار داده است تا از این رهگذر، هم علل و عوامل جرم را قابل شناسایی باشند و هم روش‌های اصلاحی و درمانی متناسب

با علل و عوامل جرم‌زا اعمال گردد تا بزهکاران زندانی مجدداً مرتکب بزهکاری نشوند. بنابراین هدف از تأسیس این سازمان اصلاح و درمان بزهکاران و بازپروری و بازسازی اجتماعی آنها است تا از بزهکاری دوباره‌ی آنها پیشگیری شود. مجازات زندان از جمله ابزارهای کیفری و پیشگیری واکنشی به شمار می‌آید که برای بازسازی بزهکاران و هم‌نوا کردن آنها با قواعد اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو آیین نامه مزبور با رویکردی اصلاحی-درمانی-پرورشی به دنبال سازگاری دوباره بزهکاران و پیشگیری از تکرار جرم است. بدین شکل که با سالم سازی شخصیت بزهکار و ترمیم فرآیند جامعه‌پذیری مجرم وی را از ارتکاب دوباره بزهکاری منصرف کند (ابراهیمی، ۱۳۹۲).

اما آنچه در این میان از اهمیت خاصی برخوردار است موارد قانونی حبس در مورد جرایم مواد مخدر و روان‌گردان و به تبع آن محبوسین ناشی از آن جرایم می‌باشد. طبق قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۷۶ و ۱۳۸۹، قانونگذار در ۱۶ مورد مجازات حبس را به عنوان مجازات اصلی جرایم مواد مخدر و روان‌گردان در نظر گرفته است. بنابراین تدابیر و برنامه‌های آموزشی، اصلاحی و درمانی که در داخل زندان‌ها به منظور بازپروری و پیشگیری از بزهکاری مجدد، توسط سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی به عنوان متولی این امر اتخاذ و انجام می‌گیرد بسیار حائز اهمیت می‌باشد. از سوی دیگر فراهم کردن بستر لازم در جامعه جهت پذیرش افرادی که مدتی را در زندان به دلیل داشتن اعتیاد یا ارتکاب جرایم مواد مخدر و روان‌گردان گذرانده و به واسطه‌ی برنامه‌ها و اقدامات سازمان زندان‌ها متنبه شده و قصد بازگشت به جامعه را دارند، امری سخت و دشوار است و مشکلات خاص خود را دارد. شغل، مسکن، آموزش و پرورش، بیمه و غیره همگی مواردی هستند که به همراه پذیرش اجتماع سبب جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم می‌شود. بنابراین فراهم کردن چنین بستری با ابعاد گوناگون و پیچیدگی‌هایی که دارد از توان یک سازمان خارج بوده و نیازمند یاری و همکاری کلیه دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و مشارکت اقشار جامعه و آحاد مردم در این زمینه می‌باشد. به دیگر سخن زمانی می‌توان به جلوگیری از تکرار جرم توسط محبوسین آزاده شده‌ی جرایم مواد مخدر و روان‌گردان امید داشت که با یک رویکرد مشارکتی به پیشگیری از تکرار جرم نگریسته شود، مشارکتی که در آن تمامی سازمان‌ها و نهادهای رسمی و غیررسمی و جامعه‌ی از جمله ستاد مبارزه با مواد مخدر، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، مراکز مراقبت بعد از خروج، آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و... و نهادهای مردمی با سازوکاری هماهنگ و منسجم در جهت رفع مشکلات زندانی پس از ترخیص و آزادی، و نیز جلوگیری از هدر رفتن نیرو و هزینه‌هایی که در زندان صرف وی گردیده قدم بر دارند.

بند چهارم- بخش نامه تشکیل ستاد ویژه در مراکز استان ها برای مبارزه با اعتیاد و جرایم مرتبط با مواد مخدر

این بخش نامه در سال ۱۳۸۱ و از جانب رئیس قوه قضائیه برای رؤسای دادگستری استان ها، دادگاه های انقلاب اسلامی و سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور صادر شد تا از این طریق ستاد ویژه ای در مراکز استان ها جهت مبارزه با اعتیاد و جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان گردان تأسیس شود. با عنایت به بخش نامه مزبور، مبارزه قاطع و قانونی با پدیده اعتیاد و جرایم مرتبط با مواد مخدر، پاک سازی نقاط آلوده شهرهای بزرگ از عوامل توزیع، مصرف مواد و پیشگیری از تکرار این جرایم، زدودن ناهنجاری های ناشی از گونه های مواد مخدر، ایجاد محیط امن، مطمئن و عاری از مفاسد و اجرای مؤثرتر قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۶ به عنوان اهداف این ستاد بیان شد. بر اساس این بخش نامه این ستاد در مرکز هر استان با حضور رئیس کل دادگستری، فرمانده نیروی انتظامی استان و مدیر کل زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان تشکیل می شود. در واقع اعضای تشکیل دهنده این ستاد در سطح استانی، سه عضو از اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر مندرج در ماده ۳۳ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ می باشند که به موجب این بخش نامه موظفند در راستای اجرای مؤثرتر قانون اخیرالذکر و پیشگیری از تکرار جرم، پاک سازی نقاط آلوده شهرهای بزرگ، زدودن ناهنجاری های ناشی از گونه های مواد مخدر، ایجاد محیطی امن، مطمئن و عاری از مفاسد قدم بر دارد. با دقت در اهداف ستاد مذکور و اعضای آن، عدم تناسب میان آن دو روشن می گردد؛ زیرا عملیاتی شدن اهدافی که در سطح استان برای این ستاد در نظر گرفته شده است نیازمند همکاری و مشارکت نهادها و سازمان های دیگری همچون شهرداری ها، صدای و سیمای استان، دانشگاه ها و مراکز علمی استان، سازمان بهزیستی و قانون اصلاح و تربیت استان و سایر سازمان های دولتی استانی و همچنین مشارکت افراد جامعه می باشد تا با تمرکزگرایی در مدیریت پیشگیری و بومی ساختن سیاست های پیشگیری از بزهکاری به خصوص جرایم مواد مخدر و روان گردان، کاهش آمار بزهکاری در سطح استان ها را در برداشته باشد. بنابراین با توجه به اینکه رویکرد مشارکتی بر توسعه راهبردهای جامعوی متمرکز است، هر چه جامعه ای هدف کوچکتر باشد امکان موفقیت و بکار بردن این مدل از پیشگیری بیشتر وجود خواهد داشت لذا کسب موفقیت در پیاده نمودن مدل پیشگیری چند نهادی در سطح استان ها در زمینه مواد مخدر و روان گردان به دلیل کوچک بودن جامعه مورد هدف و بومی بودن آن از درصد بالایی برخوردار است (ابراهیمی، ۱۳۹۲).

پیشگیری چندنهادی از جرایم مواد مخدر و روانگردان از جنبه غیر کیفری

پیشگیری کنش یا غیر کیفری یا پیشین تدابیر و اقدامات غیر سرکوبگری را در بر می گیرد که پیش از ارتکاب و برای مبارزه با این اقدام مبارزه با این پدیده اعمال می شود. این پیشگیری با مداخله در فرایند

فعالیت یافتن جرم و وضعیت پیش جنایی به دنبال کاهش نرخ بزهکاری است. به عبارت دیگر پیشگیری کنشی اقدام مناسب غیر کیفری است که از طریق کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب جرم در صدد جلوگیری از رخ دادن بزه می‌باشد. بدین ترتیب پیشگیری کنشی شامل پیشگیری از طریق حذف و خنثی نمودن عوامل بزه‌زا و پیشگیری از طریق حذف یا تغییر موقعیت‌های بزه‌زاست، در این نوع پیشگیری با قبول این واقعیت که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند، علت‌شناسی جرم از اولویت برخوردار است بنابراین سیاست‌های پیشگیرانه در جهت حذف و خنثی‌سازی عوامل جرم‌زا-اعم از عوامل فرد و عمومی بزهکاری-شامل مجموعه اقدام‌هایی است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، هدفشان تأثیر گذاشتن بر افراد است تا از سازمان دادن فعالیت‌های خود حول محور انگیزه‌های بزهکارانه بپرهیزند. این مرحله از پیشگیری دارای بعد جمعی است که بزهکاری بالقوه را به قصد پیشگیری نشانه می‌رود (علاجی، ۱۳۸۳). از این رو لزوم بکارگیری پیشگیری کنشی و استفاده از گونه‌های آن در راستای مقابله با اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم حاصل از آن به جهت چند وجهی بودن این جرایم و تأثیر عوامل مختلف محیطی، اجتماعی و فردی در تحقق آن روشن می‌گردد. از این رو به بررسی پیشگیری چند نهادی از جرایم مواد مخدر و روان گردان از منظر پیشگیری کنشی، در دو قالب پیشگیری اجتماعی و وضعی می‌پردازیم.

رویکرد چند نهادی به پیشگیری اجتماعی

اندیشه بهره جستن از پیشگیری اجتماعی نخستین بار توسط انریکو فری مطرح گردید وی بر این باور بود که تدابیر اجتماعی جایگزین کیفرها بهتر و اثرگذارتر از مجازات جلوی بزهکاری را می‌گیرند از نظر جرم شناسی، پیشگیری اجتماعی از جرم مبتنی بر علت شناسی جرم است؛ یعنی پیشگیری اجتماعی از جرم مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند و عوامل اجتماعی باید این عوامل جرم‌زا را خنثی کنند. پیشگیری اجتماعی یعنی مداخله در محیط اجتماعی عمومی، مانند محیط‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و محیط اجتماعی شخصی مانند محله، خانواده، مدرسه و به عبارت دیگر پیشگیری اجتماعی به دنبال متوقف کردن و ایجاد تحول در شرایط و اوضاع و احوالی است که فرد را به سوی جامعه ستیزی و ارتکاب جرم سوق می‌دهد. این پیشگیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است و در صدد آن است که اعضای جامعه را از طریق آموزش، تشویق و تنبیه با قواعد و هنجارهای اجتماعی آشنا و هم‌نوا کند. پیشگیری اجتماعی به دنبال کاهش یا از بین بردن علت‌های فردی یا اجتماعی اثرگذار بر بزهکاری است. پیشگیری اجتماعی یک پیشگیری کنشی فردمدار است بدین صورت که با بهره‌گیری از تدابیر اقدام‌های پیشگیرانه در صدد شخصیت‌سازی و اثرگذاری بر فرآیند شکل‌گیری شخصیت افراد است پیشگیری اجتماعی مربوط به عوامل جرم‌زاست از این رو برنامه‌های این نوع پیشگیری به صورت ۲ مرحله‌ای انجام می‌گیرد به این

صورت که در مرحله اول اقدام به شناسایی عوامل جرم می‌کند و در مرحله دوم شروع می‌کند به ساماندهی اقداماتی که هدفشان هدایت کردن آثار این عوامل از طریق خنثی کردن و کنار زدن آنهاست. این پیشگیری بدین جهت پیشگیری اجتماعی نامیده شده است که نتیجه تجربه های اجتماعی بدون مداخله بخش های پلیس و دادگستری برای مبارزه با ناسازگاری جوانان بزهکار و محیط آنهاست (فولادی، ۱۳۹۶). با توجه به آنچه بیان شد معلوم می‌گردد که این نوع پیشگیری بواسطه ی جهت گیری چند نهادی که دارد می‌تواند با بکارگیری همه ظرفیت های موجود در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فردی به پیشگیری از جرم از جمله جرایم مواد مخدر و روان گردان پردازد.

رویکرد چند نهادی به پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی شامل مجموعه اقدامات و تدابیری است که به سمت تسلط بر محیط و شرایط پیرامونی جرم (وضعیت مشرف بر جرم) و مهار آن متمایل است. این امر از یک سو، از طریق کاهش وضعیت های ماقبل بزهکاری، یعنی وضعیت های پیش جنایی که وقوع جرم را مساعد و تسهیل می‌کند، انجام می‌شود و از سوی دیگر، با افزایش خطر شناسایی و احتمال دستگیری بزهکاران، از وقوع جرم جلوگیری می‌کند. بنابراین پیشگیری وضعی، بیشتر با حمایت از آماج های جرم و نیز بزه دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی، به دنبال پیشگیری از بزه دیدگی افراد یا آماج‌ها در برابر بزهکاران است که در نهایت به طور غیرمستقیم منجر به کاهش بزهکاری می‌شود. در صورتی که پیشگیری اجتماعی به طور مستقیم در مقام جلوگیری از تبدیل شدن بزهکاران بالقوه به بزهکاران بالفعل است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۹). کلارک، جرم شناس معروف انگلیسی، پیشگیری وضعی از جرم را به عنوان اقدامات قابل سنجش و ارزیابی مقابله با جرم می‌داند. این اقدامات معطوف به اشکال خاص از جرائم بوده و از طریق مدیریت یا مداخله در محیط بلاواسطه به شیوه ای پایدار و سیستماتیک منجر به کاهش فرصت های جرم با افزایش خطرات جرم که همواره مد نظر تعداد بسیاری از مجرمان بوده است می‌شود. پیشگیری وضعی از جرم قابل مقایسه با مفهوم عامل روانشناسان، یعنی کنترل محرک است. آنها معتقدند احتمال وقوع جرم بر اساس کیفیت قرار گرفتن محرک در محیط، یا تضعیف می‌شود. محرک را می‌توان از طریق اعمال مدیریت، طراحی یا مداخله در محیط توسط طراحان پیشگیری از جرم تغییر داد. همچنین پیشگیری وضعی از جرم، بر این نظریه استوار است که موقعیت قابل پیش بینی از افراد هستند. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که درصد زیادی از حوادث و وقایع مجرمانه در محل های خاصی متمرکز شده اند که جرم شناسان از آنها به عنوان جرم خیز یاد می‌کنند. این اقدامات پیشگیری از جرم برای کاهش فرصت های جرم جزایی که در محیط پدید می‌آیند، به کار برده می‌شود (رزنام و همکاران، ۱۳۸۲). دکتر نجفی ابرند آبادی پیشگیری وضعی از جرم را علت شناسی جرم در خارج از شخصیت مجرم می‌داند و معتقد است «پیشگیری وضعی عبارت از اقدامات غیر کیفری است که معادله جرم را به هم می‌زند و هزینه انجام بزه را بالا می‌برد به نحوی که بزهکاران بالقوه از ارتکاب جرم

صرف نظر کند. به بیان دیگر، در پیشگیری وضعی هدف این است که به دنبال شناخت این واقعیت باشیم که خارج از بزهکاران و محیط های مجرمانه، چه موقعیت ها و وضعیت هایی در ذهن آنان وسوسه ارتکاب جرم را به وجود می آورد تا با شناسایی آنها به پیشگیری از وقوع جرم بپردازیم (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۹). آنچه از زمان ظهور تفکرات علمی جدید در جرم و پیشگیری از آن مطرح شده تا چند دهه ی قبل، بر محور مرتکب اغلب مرتکبان مرد و تاثیر شرایط و اوضاع و احوال محیط بر زندگی آن ها در ابعاد مختلف اعم از فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و . . . می چرخید تا مشخص شود یک شخصیت مجرمانه چگونه شکل می گیرد. از چند دهه قبل رهیافت دیگری سیاست جنایی را در بعد پیشگیری از جرم تحت تاثیر قرار داده که محور اصلی آن توجه و تکیه بر بزه دیده و به عبارت دقیق تر، آماج و هدف جرم است زیرا گفته شده که در وقوع یک جرم همگرایی و تقارن سه عنصر لازم و واجب است. در غیر این صورت وقوع جرم ممتنع خواهد بود.

این سه عنصر عبارتند از:

(۱) وجود یک مرتکب با انگیزه؛

(۲) فقدان مانع و رادع مؤثر؛

(۳) وجود یک آماج مستعد و محافظت نشده؛

رهیافت جدی که سعی دارد با اتکاء بر این جنبه یا ضلع از مثلث اشاره شده، یعنی آماج جرم با بزه دیده به تبیین پیشگیری از جرم بپردازد در فارسی تحت عنوان پیشگیری وضعی از جرم معرفی و معروف شده و در زبان انگلیسی نیز به **situational crime prevention** مرسوم است. در زبان فارسی نیز کاربرد معادل هایی چون پیشگیری موضعی، موقعیتی و یا وضعیتی در برابر این اصطلاح درست است. اما بیشتر جرم شناسان و پژوهشگران ایرانی معادل پیشگیری وضعی را برای اصطلاح مزبور برگزیده اند (صفاری، ۱۳۸۰). طرح پیشگیری وضعی از جرم به عنوان یک نظریه علمی اصالتاً تاسیسی انگلیس است که توسط سه نفر به نام های کلارک، می هیو و کرنیش مطرح شده و توسعه یافته است. ایشان در آثار خویش همواره بر اتخاذ تدابیر مناسب و به کارگیری اقدامات لازم جهت کاهش فرصت ها و موقعیت های بروز رفتار بزهکارانه و تغییر رابطه بین بزهکار، بزه دیده و محیط تاکید کرده اند (گسن؛ مترجم نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۶). پیشگیری موقعیت مدار، وضعیت محور یا پیشگیری وضعی یکی از گونه های پیشگیری کنشی است و بر این فرض مبتنی است که بزهکاران بیشتر با حساب گری و انگیزه های عقلانی به ارتکاب جرم مبادرت می ورزند (گسن؛ مترجم نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۶) به اعتقاد طرفداران رویکرد پیشگیری وضعی از جرم، چنین یافته هایی توسط تئوری های مقدم (اشاره به مکاتب کلاسیک و پوزیتوئیسم خصوصاً لمبرازوئی آن) قابل درک، تبیین و تفسیر نیست زیرا چنین به منظره هایی از جرم و ارتکاب آن با وجود اشاراتی که به تاثیر جزئی عواملی از این دست در رفتارها و تصمیم گیری انسانها داشته اند تاثیر دراز مدت عوامل زیستی روانی، تربیتی، فرهنگی و امثال آن را در شکل گیری و جهت رفتار انسان و خصوصاً تصمیم

گیری‌های او تعیین کننده تر می‌دانند. علاوه بر این پیشگیری وضعی از جرم؛ توزیع پویاتر و ملموستری از ارتکاب آن نسبت به نظریه‌های متقدم ارائه می‌دهد و زمینه را برای پیشگیری ملموس تر و عملی تر فراهم می‌کند. این امر از دیدگاه دست اندرکاران اجرای قانون، مثل قوه قضاییه و پلیس، می‌تواند به عنوان موقعیت‌های قابل گزارش به جامعه قلمداد شود به عنوان مثال هر چند ممکن است اقدام هماهنگ پلیس و قوه قضاییه در انهدام منطقه جرم خیز خاک سفید شهر کرمانشاه در نظر برخی اقدامی موقتی تلقی شده و تصور شود که جرائم مربوطه به سایر مناطق شهر منتقل خواهد شد اما از نظر مجریان طرح موقعیت آن چشم گیر بوده و در زمان خود موضوع گزارشها و اعلانات متعددی در جهت معرفی پلیس به عنوان یک نهاد فعال و دلسوز قرار گرفت. با توجه به مطالب فوق و آنچه در خصوص پیشگیری وضعی و مدل چند نهادی و تعامل و رابطه این دو با یکدیگر گفته شد به نظر می‌رسد که این نوع از پیشگیری بدلیل برخورداری از یک جهت گیری چند نهادی قابلیت آن را دارد که در زمینه ی پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان و اعتیاد به این مواد که متاثر از عوامل گوناگونی می باشد فعالیت کرده و به مقابله و مبارزه با این دسته از جرایم بپردازد.

بحث و نتیجه گیری

امروزه حفظ و توسعه ی سرمایه انسانی و اجتماعی به مراتب مهم‌تر از سرمایه های طبیعی و فیزیکی به شمار می‌آید؛ زیرا پیشرفت علمی و تکنولوژی و در نهایت پیشرفت جوامع انسانی در گرو همین سرمایه‌ی ارزشمند و گرانها می‌باشد. از این رو سرمایه انسانی و اجتماعی در شرایطی حفظ، و موجب رشد و توسعه اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع می‌گردد که از پدیده‌های مضر، مخرب و مضمحل کننده جوامع صنعتی در امان باشد. یکی از همین پدیده‌ها، جرایم مواد مخدر و روان گردان و اعتیاد به این مواد می‌باشد. در دنیای امروز، اعتیاد پس از بحران‌های هسته ای، جمعیت و محیط زیست، چهارمین بحران بزرگ دنیا است. البته در ایران پس از فقر و بیکاری سومین مشکل بزرگ کشور به حساب می‌آید. بنابراین دولت‌ها من جمله سیاستگذاران، دست اندرکاران و مسئولین کشور ما باید برای تحقق سرمایه انسانی و اجتماعی و حفظ آن، به مهار جرایم مواد مخدر و روان گردان بپردازند. تدابیر و اقدامات سرکوبگرانه و پیشگیرانه (واکنشی-کنشی) از ابزارهای مهار همین پدیده می‌باشد که متناسب با نحوه سیاستگذاری دولت‌ها در زمینه ی مواد مخدر و روان گردان بکار گرفته می‌شود.

الف- نتیجه گیری

یکی از سؤالات تحقیق حاضر این بود که چه نهادهایی در پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان در ایران مداخله دارند و فعالیت آنان چگونه و بر اساس چه مدلی هماهنگ می‌شود؟ در راستای پاسخ دهی به این سؤال، نتیجه حاصل از تحقیق پیش رو به شرح ذیل می‌باشد:

قانونگذار ایران از ابتدای قانونگذاری در خصوص مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن رویکرد واکنشی، سرکوبگرانه و یکسویگر را در پیش گرفت و به سمت استقرار نظام عدالت کیفری و دستگاه‌ها و نهادهای وابسته به آن گام برداشت. از این رو تا سال ۱۳۷۶ نهادهایی نظیر کلانتری، دادسرا، دادگاه و زندان که از نهادهای نظام عدالت کیفری به شمار می‌آیند با استفاده از جنبه‌های ارعایی، آزار دهی و تحقیری مجازات به پیشگیری کیفری از جرایم مواد مخدر و روان گردان و اعتیاد به این مواد پرداختند. در واقع تا این زمان بود که پیشگیری در مفهوم موسع آن در قالب یک رویکرد تک نهادی و بخشی نگر توسط سیاستگذاران و قانونگذاران حوزه مواد مخدر و روان گردان بکار گرفته شد. لکن از سال ۱۳۷۶ و از رهگذر قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن و تصویب ماده ۳۳ این قانون، نگرش و رویکرد قانونگذار به سبب نتایج نامطلوب نظام عدالت کیفری که متکی بر کیفردهی و اقدامات واکنشی بود تغییر کرد و به سمت تدابیر و اقدامات کنشی و غیر کیفری سوق پیدا کرد. به تعبیر دیگر، با تصویب ماده ۳۳ و ۳۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر بود که پیشگیری در مفهوم مضیق آن با رویکردی کلان نگر و چند نهادی پا به عرصه مواد مخدر و روان گردان و جرایم حاصل از آن گذاشت. نمود این رویکرد چند نهادی و مشارکتی را می‌توان در آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد مصوب ۱۳۷۶ و سند جامع پیشگیری اولیه از اعتیاد مصوب ۱۳۹۰ مشاهده کرد. از این رو، با این تغییر رویکرد در حوزه مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن گستره‌ی فعالیت‌های پیشگیرانه در این حوزه توسعه یافته و نهادهای دخیل در زمینه پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم حاصل از آن به مراتب نسبت به نهادهای نظام عدالت کیفری افزایش یافتند. نهادهایی نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، سازمان تربیت بدنی، سازمان بهزیستی، سازمان شهرداری، سازمان صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی، پلیس اداری، سازمان‌های مردم نهاد و جامعوی و نهادهای مدنی از جمله‌ی این نهادها به شمار می‌آیند. با توجه به کثرت دستگاه‌ها و نهادهای دخیل در پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن و با عنایت به اینکه بخشی از این نهادها در حوزه پیشگیری اجتماعی، بخشی در حوزه پیشگیری وضعی و بخشی نیز در حوزه‌ی فعالیت‌های پیشگیرانه مردمی و جامعوی نقش و مسئولیت دارند باید گفت که فعالیت‌های این نهادها را می‌توان بر اساس مدل پیشگیری چند نهادی و از طریق شرح وظایف و اختیارات آنان، شفاف سازی محدوده عملکرد آنان، متحد کردن نهادها با یکدیگر و درگیر کردن جامعه در تصمیم سازی‌ها و تصمیم گیری‌ها و در نهایت ترکیب راهبردهای اجتماعی، وضعیت محور و مدنی، هماهنگ و کنترل کرد. در سیاست گذاری پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان، فعالیت نهاد های دولتی نظیر نیروی انتظامی، صدا و سیما، آموزش و پرورش و نهاد های غیر دولتی، مردمی و اجتماعی در قالب بیان آنها در چارچوب قوانین و مقررات هماهنگ و شفاف سازی محدوده‌ی عملکرد و شرح وظایف و اختیارات همسو می‌شود و در

مرحله اجرا، نهادهای فرابخشی با محوریت ستاد مبارزه با مواد مخدر فعالیت‌های بخشی را کنترل و هماهنگ می‌کنند. ساختاری که خود به دلیل ضعف مدیریتی در طراحی سازمان‌ها، همواره نمی‌تواند موفق عمل کند. آنچه در این پیشگیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است لزوم توجه به چند وجهی بودن پدیده اعتیاد و جرایم مواد مخدر و روان گردان و تاثیر عوامل گوناگون در شکل گیری آن می‌باشد که سبب می‌شود تا در پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن، نگاه یک‌سونگر و تک عاملی نهی شده و به یک رویکرد مشارکتی و بین نهادی امر شود.

در پاسخ دهی به سؤال دوم تحقیق مبنی بر اینکه رویکرد چند نهادی موجود در این زمینه با توجه به ستاد مبارزه با مواد مخدر و عملکرد آن، با چه مشکلات و موانعی روبرو است؟ نتیجه تحقیق به شرح ذیل است:

- عدم مدیریتی مناسب برای پیاده سازی مدل پیشگیری چند نهادی.
- کثرت نهادها و دستگاه های مسئول، قادر و صالح و عدم هماهنگی بین آنان.
- روشن نبودن حیطه وظایف و اختیارات نهادها و عدم مرزبندی مداخلات آنان.
- مشخص نبودن نحوه ی سهم کردن نهادها و نیز تعداد و ماهیت آنان.
- فقدان یک بخش نظارتی قاطع در سطح ملی و استانی.
- ضعف کمی و کیفی برنامه های پیشگیرانه در سازمان هایی نظیر صدا و سیما، آموزش و پرورش، شهرداری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- دیربازده بودن تدابیر و اقدامات پیشگیرانه و بالا بودن سطح توقع جامعه از این تدابیر و اقدامات.
- ضعف فرهنگ مشارکت پذیری و وجود نگرش ابزاری به مشارکت.
- مشخص نبودن نحوه ی همکاری و تعامل مردم و نهادهای مدنی با نهادهای رسمی و دولتی.

ب- پیشنهادها

۱- هر چند در سطح استان ها شوراهای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر تشکیل شده است لکن این شوراهای هرگز در راستای اهداف ستاد مبارزه با مواد مخدر و تحت نظارت این ستاد، به بومی سازی پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم ناشی از آن، متناسب با آداب و رسوم و فرهنگ هر منطقه اقدام نکرده اند، در حالی که هر استانی از شرایط خاص اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی خود برخوردار بوده و اقتضای آن را دارد که اعضا و مدیران شوراهای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر و پلیس مواد مخدر در هر استان، با رایزنی و تعامل با ستاد مبارزه با مواد مخدر و نیز فراهم کردن بستر لازم جهت جلب مشارکت های مردمی- استانی و بهره گیری از توان مردم هر استان، در راستای بومی سازی پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن گام بردارند. در واقع، می توان با پر رنگ کردن نقش و وظایف شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر هر استان،

شناخت آداب، رسوم، فرهنگ و منش مردم هر استان و نیز بررسی شرایط جغرافیایی، اقلیمی و اجتماعی مختص آنان به بومی کردن پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم وابسته به آن در هر استان نایل شد.

۲- امروزه لزوم آشنایی دانش آموزان با مواد مخدر و اعتیاد آور و آگاهی از اثرات مخرب و جبران ناپذیر آن بیش از هر زمان دیگری احساس می شود و به همین دلیل پیشنهاد می گردد تا در یکی از کتاب های درسی دانش آموزان، مبحثی تحت عنوان آشنایی با مواد مخدر و اعتیاد آور گنجانده شود تا معلمان و مربیان دوره دیده به آگاهی بخشی و اطلاع رسانی در این زمینه پرداخته و نتیجه این آموزش را همچون سایر دروس به بوته آزمایش و امتحان بگذارند. از سوی دیگر با برگزاری کارگاه های آموزشی مفید و مختصر برای والدین نسبت به آموزش و ارتقای سطح آگاهی آنان اقدام نمایند.

۳- ارتباط و تعامل مداوم و مستمر ستاد مبارزه با مواد مخدر با بنیاد علمی نخبگان و حمایت همه جانبه ستاد در راستای بهره وری از توان نخبگان و متخصصین حوزه های مرتبط با پیشگیری از اعتیاد، نظیر جرم شناسی، جامعه شناسی، روان شناسی، طراحی و معماری محیطی و شهری و... از طریق برگزاری جلسات، همایش ها و استفاده از مقالات و پژوهش های انجام شده.

۴- تخصیص بودجه و فراهم کردن امکانات لازم توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر برای تهیه کنندگان و کارگردانان برنامه های تلویزیونی و رادیویی. به نظر می رسد ستاد می تواند در این زمینه، به ایجاد بخشی مختص تولیدات تلویزیونی و رادیویی با موضوعات مواد مخدر و روان گردان اقدام کند. در واقع ستاد می تواند با استخدام افراد متخصص در این زمینه، مستقلاً به تولید برنامه های تلویزیونی و رادیویی دست بزنند.

۵- فراهم کردن بستر لازم برای همکاری و مشارکت آحاد جامعه با سازمان ها و نهادهای دولتی و همچنین نهادهای مدنی و جامعه ی فعال در حوزه پیشگیری از اعتیاد.

۶- برطرف کردن مشکلات و موانع پیش روی تأسیس سازمان های مردم نهاد و نهادهای مدنی و حمایت از آنها.

۷- گزارش کامل سازمان ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی و مردم نهاد از عملکرد خود در زمینه پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم مرتبط با آن طی دوره های شش ماه.

۸- بستر سازی لازم برای حضور بخش خصوصی در حوزه های مختلف پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و روان گردان و جرایم حاصل از آن. امروزه بکارگیری بخش خصوصی در بسیاری از عرصه ها امری اجتناب ناپذیر است، از این رو می توان از قابلیت ها و ظرفیت های بخش خصوصی در زمینه پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان استفاده نمود. نیروی انتظامی می تواند انجام بخشی از اقدامات وضعی پیشگیرنده در زمینه مواد مخدر و روان گردان را به بخش خصوصی محول کند. شهرداری ها نیز

می‌توانند از شرکت‌های خصوصی فعال در زمینه‌ی طراحی و مهندسی محیط‌های شهری، در راستای اقدامات پیشگیرنده وضعی از جرایم مواد مخدر و روان گردان استفاده نمایند.

فهرست منابع و مآخذ

الف- کتاب

- اسعدی، سید حسن و سیده نگاره، ۱۳۸۹، پیشگیری از سو مصرف مواد مخدر و روان گردان، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ایرانشاهی، حمید، ۱۳۹۰، پیشگیری از وقوع جرم و نقش سازمان‌های مسئول در قوانین ایران، انتشارات جاودانه.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ۱۳۹۵، کفایه الاصول.
- ابراهیمی، محمد محسن، ۱۳۹۲، رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روان گردان با تاکید بر عملکرد ستاد مبارزه با مواد مخدر، دانشگاه تهران.
- اسدی. لیلا سادات، ذبیحی. عاطفه. ۱۳۹۲ ورود حقوق کیفری به حوزه خانواده و کیفیت تامین الزام آوری قواعد در این حوزه.
- باصری، علی اکبر، ۱۳۹۴، پژوهشی علمی- کاربردی درباره مواد مخدر، نشر وفاق.
- بیگلری. ناصر. ۱۳۹۰. خانواده و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیشگیری از جرم. جلد دوم. مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- پاشایی، مهدی، ۱۳۹۷، پیشگیری وضعی یا پیشگیری رشد مدار، سایت حقوقدانان.
- حکیم زاده. عقیده. ۱۳۹۰. خانواده و پیشگیری از جرم. مجموعه مقالات ارسالی اولین همایش ملی پیشگیری از جرم. جلد دوم. مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- حسینی، سید محمد، ۱۳۹۳، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- خلیلی تیرتاشی، نصرالله؛ ۱۳۹۵، اندیشه‌های اقتصادی ابن خلدون، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۹۲، لغتنامه دهخدا، نشر دانشگاه تهران .
- ذبحی، حسین، ۱۳۹۳، شرح و بررسی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاقات بعدی آن، جلد اول و دوم، چاپ دوم، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.
- رزنبام، دنیس، لوریسیو، آرتورو دایس، روبرت، ۱۳۸۲، پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه رضا پرویزی، مجله تحقیقات حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- ساکی، محمد رضا، ۱۳۹۱، مواد مخدر و روان گردان از دیدگاه علوم جنایی و حقوق بین الملل، انتشارات جنگل.
- ساکی، محمد رضا، ۱۳۹۰، جرایم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و حقوق بین الملل، نشر خط سوم.

- شیر، عباس و دیگران، ۱۳۸۹، مجموعه مقالات همایش ملی پیشگیری از جرم، چاپ اول، تهران، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، معاونت آموزشی.
- شاکری، عبدالحسین، ۱۳۸۸، مواد مخدر و اعتیاد، انتشارات میر.
- شعبانی، جعفر، ۱۳۸۹، نقش شهرداری ها در پیشگیری از جرم، دانشگاه شهید اشرفی.
- صیامی، زهرا؛ ۱۳۸۱، چرا صنعتی نشدیم؟، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- علامه طباطبائی، ۱۳۹۶ سید محمدحسین، بی تا، تفسیر المیزان، جلد ۱، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- علوی، پرویز، و نظریور، محمدنقی؛ و عباسی، ابراهیم؛ ۱۳۸۳، دولت پهلوی و توسعه اقتصادی، چاپ اول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فولادی، علیرضا، ۱۳۹۶، پیشگیری اجتماعی از جرایم، هفته نامه احرار آذربایجان غربی.
- قناد، فاطمه، ۱۳۷۹، بررسی تناسب بین جرم و مجازات در جرائم مواد مخدر، مجموعه مقالات همایش بین المللی علمی- کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، تهران: روزنامه رسمی کشور.
- قورچی بیگی، مجید، ۱۳۹۱، پیشگیری چند نهادی از جرم، مفاهیم، مبانی و چالش ها، در مجمعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم (رویکرد چندنهادی به پیشگیری از جرم)، انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- کاظمی، مسعود، ۱۳۹۴، تأثیر مجازات اعدام بر بازدارندگی از جرایم مواد مخدر و روان گردان، کنفرانس بین المللی و پژوهشی.
- کلی وند تویرسکانی، ناصر، ۱۳۹۵، نقش پلیس قضایی در اجرای عدالت، نشر فکر سازان.
- لازرژ، کریستین، ۱۳۷۵، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، انتشارات میزان
- لازرژ، کریستین، ۱۳۹۲، درآمدی بر سیاست جنایی، چاپ چهارم، بنیاد حقوقی میزان.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۵، تفسیر نمونه، دارکتب الاسلامیه.
- معین، محمد، ۱۳۹۱، فرهنگ فارسی، جلد ۳، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- مرتضوی، سعید، ۱۳۸۸، قاچاق مواد مخدر و روان گردان، سیاست جنایی ایران و فرانسه با اشاره به اسناد بین المللی، چاپ اول، انتشارات مجد.
- مدنی قهفرخی، سعید، ۱۳۹۰، اعتیاد در ایران، تهران، نشر ثالث.
- معظمی، شهاب، ۱۳۸۲، فرار دختران، چرا؟ نشر گرایش.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۸۰، تقریرات درس جرم شناسی (پیشگیری)، دانشگاه تربیت مدرس
- دانشکده علوم انسانی، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۸۹، سیاست جنایی، مجله تحقیقات حقوقی انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و حمیدهاشم بیگی، ۱۳۹۰، دانشنامه جرم شناسی انگلیسی، فرانسه، فارسی، تهران، انتشارات گنج دانش.
- نادری، محمد علی، ۱۳۹۰، نقش و جایگاه وزارت کشور در پیشگیری از بزهکاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- نیازپور، امیر حسن. ۱۳۹۵. بزه کاری به عادت: از علت شناسی تا پیشگیری. تهران. فکر سازان.
- نظریور، محمدنقی؛ ۱۳۹۶، ارزشها و توسعه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، نشر معارف.

ب- مقاله

- انصاری، حمید رضا، ۱۳۸۸، بررسی فقهی حقوقی استعمال مواد مخدر، پایان نامه دانشگاه پیام نور استان کرمانشاه.
- خسرو شاهی. قدرت الله، منصوری. حیدر. ۱۳۸۹. پیشگیری زودرس از بزهکاری با رویکرد خانواده مدار. مجله مطالعات پیشگیری از جرم. شماره ۱۶.
- حبیب زاده ملکی، اصحاب و همکاران، تابستان ۱۳۸۸، بررسی نقش دوگانه رسانه های جمعی در پیشگیری و وقوع جرایم، انتظام اجتماعی: دوره ۱، شماره ۲.
- رحمدل، منصور، ۱۳۸۵، تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱.
- زنگنه شهرکی، جعفر، ۱۳۹۱، قاعده «نفی سبیل» در آرای فقهی و مواضع سیاسی صاحب عروه، فصلنامه فقه، شماره ۷۳.
- سلمانپور، محمد جواد، ۱۳۸۲، مبانی فقهی حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر و جرایم مربوط به آن، فقه اهل بیت، شماره ۳۵.
- صفاری، علی، ۱۳۸۰، مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم، مجله تحقیقات حقوقی شماره (۳۳-۳۴)، دانشگاه شهید بهشتی.
- عباچی، مریم، ۱۳۸۳. پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه، ساره حسایی، ۱۳۹۰، سیاست جنایی و سطور مفهومی آن، تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵.
- علی پور، مریم، ۱۳۹۴، نقش سازمانهای مردم نهاد در پیشگیری از بزه کاری زنان، دانشگاه کاشن.

- فخر، حسین، رستمی غازانی، امید، مسئولیت قوه قضائیه در پیشگیری از جرم در پرتو بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، دوفصلنامه علمی تخصصی علامه، سال ۱۱، شماره ۳۲.
- کرمی، داود و همکاران، ۱۳۹۵، پیشگیری از بزه کاری اطفال با رویکرد خانواده و مدرسه مدار در سیاست جنایی، تحقیقات حقوقی آزاد، دوره ۶، شماره ۳۳.
- گسن، ریموند، ۱۳۷۶، روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی شماره (۱۹-۲۰)، دانشگاه شهید بهشتی.
- معدنچی، محمد، ۱۳۷۶، سیاست جنایی ایران در قلمرو کیفر سالب آزادی دانشگاه تربیت مدرس، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- میرزایی آشتیانی، سیده هانیه، ۱۳۸۸، تبیین مبانی فقهی و حقوقی جرائم مواد مخدر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات دانشگاه پیام نور استان تهران.
- محمدی، کیما و همکاران، ۱۳۹۳، قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۶.
- محمدنژاد، فرشید، ۱۳۹۲، پلیس امنیت مدار و نقش آن در پیشگیری اجتماعی از جرم، پایان نامه ارشد دانشگاه قم.
- هاشمی امامزاده، سید ابوالحسن، ۱۳۸۳، بررسی ماهوی و شکلی قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ و اصلاحیه ۱۳۷۶ بر اساس مبانی شرعی و اصول کلی حقوق جزا، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۷۸، تقریرات نرس تاریخ تحولات حقوق کیفری، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق شهید بهشتی تهران، نیم سال دوم تحصیلی.
- نیاز پور، امیرحسن، ۱۳۸۵، اقدامهای دستگاههای دولتی ایران در زمینه پیشگیری از بزه کاری، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۰.